

## مقدمه‌ای بر تبیین عدالت اجتماعی در اندیشه امام خمینی (س)

محمد حسین جمشیدی<sup>۱</sup>

ابراهیم ایران نژاد<sup>۲</sup>

**چکیده:** عدالت اجتماعی از شئون و مقومات وجود و محور زندگانی انسان است که بدون آن آدمیان معنای زندگی را در نمی‌یابند و جامعه نیز جز با قیام به قسط و گسترش آن قوام نمی‌یابد. به علاوه عدالت و قسط، عدالت‌خواهی و قسط‌طلبی شأنی از شئون فطری انسان است که بدون آن انسانیت انسان معنا نمی‌یابد. کسی که دارای عقل سلیم است با جذب‌های خاص به سوی عدل و داد در حرکت است. عدل و داد نه تنها عامل رشد، توسعه، رفاه و امنیت در جامعه که عامل وحدت و یکپارچگی جامعه نیز است. در این پژوهش، ابتدا، عدالت اجتماعی از دیدگاه بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی تبیین می‌شود. در ادامه دیدگاه ایشان در باب مفهوم عدالت اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد. ابتدا واژه عدالت و قسط از لحاظ تاریخی در اندیشه اسلامی بررسی شده است و سپس به بحث در مورد معانی و موضوعات عدالت از دیدگاه امام پرداخته شده، و نهایتاً برخی از راهکارهای اساسی که ایشان برای عملی شدن عدالت اجتماعی در نظر دارد از لایه لای مکتوبات و فرمایشاتشان استنتاج و استخراج گردیده است.

**کلیدواژه‌ها:** عدالت، عدالت اجتماعی، تبیین عدالت، انقلاب اسلامی، امام خمینی.

### مقدمه

در عرصه حیات فردی، سیاسی و اجتماعی انسان «عدالت» از جمله مسائل بنیادی است که همیشه و در همه جوامع مهم‌ترین دغدغه انسان بوده و ذهن اندیشمندان بسیاری را به خود مشغول داشته

---

۱. e-mail: Jam14si@yahoo.com

۱. استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس.

۲. فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی انقلاب از پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی و پژوهشگر

e-mail: Irannejad1985@gmail.com

جهاد دانشگاهی واحد آذربایجان شرقی.

این مقاله در تاریخ ۱۳۸۸/۱۰/۲۶ دریافت گردید و در تاریخ ۱۳۸۹/۱۱/۲۹ مورد تأیید قرار گرفت.

است. فلاسفه بزرگی چون افلاطون و ارسطو و فارابی و ابن سینا و... در اعصار گذشته و بسیاری از نظریه پردازان معاصر این مسأله را در کانون توجه اندیشه خود قرار داده‌اند. در اندیشه دینی، و از جمله اسلام، نیز عدالت جایگاه مهمی را به خود اختصاص داده و به ویژه در اندیشه شیعی «عدل» به عنوان یکی از اصول اعتقادی مطرح شده است که علاوه بر عرصه باور و اعتقاد، بازتاب‌های مهمی در حوزه سیاسی و اجتماعی دارد. بعثت پیامبران و تشریح ادیان نیز برای به سعادت رساندن انسان‌ها با اجرای قسط و عدل در زندگی آنان بوده است (اخوان کاظمی ۱۳۸۱: ۱۱). خداوند متعال در مورد یکی از مهم‌ترین اهداف رسالت‌های آسمانی یعنی برپایی عدالت در عرصه زندگانی از سوی مردم می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ الْنَّاسُ بِالْقِسْطِ». (به تحقیق، ما فرستادگان خود را با دلایل روشن فرستادیم و کتاب و میزان به همراه آنها فرود آوردیم تا مردم برای تحقق قسط و عدل قیام کنند (حدید: ۲۵). بنابراین قرآن فلسفه بعثت پیامبران را استقرار عدالت و گسترش آن دانسته و آن را بارزترین ویژگی آفرینش و نیکوترین خصلت انسان معرفی کرده است!

امروزه به ویژه بُعد عمومی و اجتماعی عدالت، یعنی «عدالت اجتماعی» با توجه به توسعه نگرش اجتماعی و سیاسی بشر و افزایش حضورش در عرصه و میدان سیاست و جامعه از جایگاهی در خور برخوردار شده و پرداختن به آن از دغدغه‌های بسیاری از اندیشمندان گشته است، به گونه‌ای که طرح مسأله عدالت بدون توجه به این بعد طرحی تک گفتاری و تک بعدی محسوب می‌گردد.

انقلاب اسلامی ایران که با محتوای ایدئولوژیک پایه ریزی شد، مرهون تلاش امام خمینی است که نهضتی عظیم را پایه ریزی کرد و در میان امواج مختلف توطئه و دسیسه دشمنان، آن را به سرانجام رساند. در اندیشه انقلاب اسلامی، یکی از مهم‌ترین ارزش‌ها و خواسته‌ها، عدالت اجتماعی است. طبیعی است که بیش از هر چیز برای شناختن ارزش‌های هر انقلابی باید به اندیشه رهبران و بنیانگذاران آن روی آورد. در این راستا، امام خمینی نه تنها به عنوان رهبر انقلاب و بنیانگذار نظام بلکه به عنوان یک عالم برجسته دینی نیز حائز اهمیت جدی و صاحب نظر است. بنابراین بر ماست که برای شناخت ارزش‌ها به آثار و اندیشه او توجه نماییم.

۱. برای نمونه، ر.ک. به: (شوری: ۱۵؛ مائده: ۸؛ نساء: ۵۸؛ نحل: ۹۰).

براین اساس و با توجه به اینکه امروزه و پس از گذشت سه دهه از پیروزی انقلاب همچنان خواست اصلی مردم ما تحقق عدالت اجتماعی است، اما از آنجا که برای هر خواستی باید شناخت مطلوبی از آن داشته باشیم و نیز با توجه به جایگاه فکری و سیاسی امام خمینی، مسأله اصلی ما در این نوشتار این است که امام خمینی به عنوان یک اندیشمند بزرگ اسلامی که دارای ویژگی‌های کم نظیری در ابعاد معرفتی و علمی اسلام است، چه نگاهی به مسأله عدالت اجتماعی و معیارهای تحقق آن در جامعه دارد؟

برای پاسخ به این پرسش، با در نظر گرفتن اهمیت عدالت اجتماعی در اندیشه امام خمینی در این نوشتار سعی خواهیم کرد به بررسی چستی عدالت اجتماعی از دیدگاه ایشان پردازیم و همچنین اصول کلی حاکم بر اندیشه ایشان پیرامون مسأله عدالت اجتماعی، و راهکارها و شاخصه های آن از دیدگاه او را استخراج و بیان نماییم.

مروزی اجمالی پیرامون سابقه تحقیقاتی مبحث «عدالت اجتماعی در اندیشه امام خمینی (ره)» نشان می‌دهد که علی‌رغم تأکیدات فراوان او در آثار مکتوب و شفاهی خویش پیرامون موضوع عدالت اجتماعی، تلاش بسیار اندکی در تعریف دقیق و تحلیل نظام مند موضوع عدالت در آرا و به ویژه در حوزه مباحث اجتماعی و نیز بررسی و شناخت جایگاه راهبردی این مسأله در مقایسه با اهداف، الزامات، راهکارها و آثار مترتب به آن به چشم می‌خورد.

این در حالی است که در خصوص بررسی ابعاد مختلف عدالت اجتماعی در اندیشه های امام خمینی می‌توان گفت از دو جهت عمده دارای اهمیت است: اول، از نظر تحلیل‌های کاربردی در تجزیه و تحلیل رویدادهای جاری در نظام اقتصادی ایران و پیش بینی تحولات آینده آن. دوم، به عنوان قدمی در شکل‌گیری اندیشه عدالت اجتماعی اسلامی از دیدگاه نظری. به علاوه با شکل‌گیری حکومت اسلامی ویژگی‌های مطلوب نظام اسلامی در عمل چون عدالت اجتماعی به طور جدی مطرح شده است. نکته‌ای دیگر که اهمیت این بررسی را دو چندان می‌کند این است که مفهوم عدالت اجتماعی یکی از مفاهیم مهم در شکل‌گیری روند انقلاب اسلامی بود و تا به امروز نیز یکی از مفاهیم قابل بحث می‌باشد.

در این نوشتار در پی تبیین ماهیت و معیارهای عدالت اجتماعی از منظر امام خمینی در حد امکان هستیم به گونه‌ای که دیدگاه او را در باب عدالت اجتماعی به دور از انحرافات روشن کند. همچنین بررسی دیدگاه‌های امام در باب عدالت اجتماعی و مسائل مرتبط با آن می‌تواند به عنوان

گامی در راستای شناخت مطلوب نظام اسلامی مورد نظر ایشان نیز قلمداد شود. در جهت پاسخ به این پرسش طبیعی است که ابتدا باید هم از عدالت به صورت عام و هم از دید اسلام به عنوان جهان بینی خاص امام خمینی آغاز کرد.

### تعریف و چیستی عدالت

تأمل درباره معانی عدل، عدالت<sup>۱</sup> و قسط و مترادف‌ها و متضادهایش، به تبیین این مفهوم و بیان ماهیت آن کمک می‌کند. برای مفهوم عدالت، مترادف‌هایی وجود دارد که هر کدام بخشی از معنای آن را دربرمی‌گیرد؛ از جمله می‌توان به واژه‌های قسط، قصد، استقامت، وسط، نصیب، حصّه، میزان، و انصاف اشاره کرد. «جور» متضاد «عدل» است (اخوان کاظمی ۱۳۸۲: ۱۷). برای کلمه «جور» مترادف‌های متعدد وجود دارد که بعضی از آنها معنایی متفاوت را بیان می‌کنند؛ مثل ظلم، طغیان، میل و انحراف؛ اگر چه کاربرد واژه ظلم در مقابل عدل رواج داشته است (اخوان کاظمی ۱۳۸۲: ۱۸).

از لحاظ لغوی، در فرهنگ‌ها «عدل» به معنای راستی، درستی، دادگری، داد، نظیر، همتا، مثل و شاهد، میانه روی، مساوات، برابری، حد و وسط، راست روی و... آمده و جمع آن «أعدال» است (دهخدا: عدل، عدالت، معین: عدل، عدالت، و...). نیز «عدل، یعنی معادل، متعادل، حد و وسط، ضد جور، و شایسته گواهی دادن یعنی عادل، داد دهنده، پیمانه؛ پاداش و... در حکمت عملی، عدل مقابل ظلم است. و به معنای احقاق حق و اخراج حق از باطل است و امر متوسط میان افراط و تفریط را نیز عدل گویند» (سجادی ۱۳۷۵: ۴۷۰).

در یک جمع بندی کلی عدل در لغت دارای معانی کلی زیر است:

- (۱) برابری، مساوات؛
- (۲) میانه روی، اعتدال، وسطیت؛
- (۳) استقامت، راستی، درستی؛
- (۴) احقاق حق، رعایت حقوق؛
- (۵) میزان، پیمانه، ابزار سنجش درستی و راستی؛

۱. ترجمه لغت عربی «عدالت» به فارسی «داد»، «دادگری» و در فرانسه و انگلیسی Justice، و در لاتین Justitia است.

۶) حرکت در مسیر مستقیم و راست روی و....

به علاوه عدالت در نظرگاه اندیشمندان تعاریف مختلف یافته است و این گوناگونی تعاریف با اختلاف شرایط حاکم بر جوامع مناسبت دارد. به طور مثال، در یونان باستان و قرون وسطی متفکرین توجه خاصی به طبیعت و نقش آن در زندگی داشتند و عدالت را غالباً نیز رفتار مطابق با طبیعت معنا می کردند. اما در دوره رنسانس و روشنگری معانی دیگری همچون تأمین منافع متقابل و... معنا می یابد. در اینجا به چند تعریف اشاره می شود:

در نگاه افلاطون عدالت زیننده ترین نوع است: «عدالت از زیننده ترین نوع است یعنی در زمره آن خواستنی هایی است که هم به خاطر خود و هم به مناسبت نتایجی که از آن عاید می شود مطلوب جویندگان سعادت است» (افلاطون ۱۳۶۰: ۹۲) و لذا نوعی تناسب و تعادل در امور است. بدین معنا که اگر در جامعه ای هر یک از افراد بر اساس شایستگی و استعداد طبیعی خود صرفاً به یک کار خاص اشتغال داشته باشند و از دخالت در امور دیگران اجتناب نمایند، در آن جامعه عدالت برقرار است (جمشیدی ۱۳۸۰: ۶۱).

ارسطو، سعادت آدمی را در فضیلت می داند و فضیلت نیز در بالاترین وجه خود در عدالت متجلی می گردد. وی ابتدا با بازشناسی معنای واژه عدالت آن را به دو معنا (۱) امر قانونی [عدل] و (۲) انصاف و برابری [قسط] دانسته است. او در بررسی خود روشن می سازد که عمل عادلانه رعایت حد وسط در امور است. لذا نوعی میانه روی است و به همین دلیل بزرگ ترین فضیلت است (جمشیدی ۱۳۸۰: ۶۳-۶۲). در واقع، از دید ارسطو عدالت برابری است در میان افراد برابر.

در سخنان حضرت علی<sup>(ع)</sup> عدالت در یک مورد به معنای «انصاف و میانه روی و اجتناب از افراط و تفریط، در جای دیگر به مفهوم قراردادن هر چیز در جای خود و در موردی به معنای سیاست عمومی آمده است» (مطهری ۱۳۷۲: ۱۴۸).

راغب اصفهانی در تعریف عدالت می گوید: «العدالة و المعادله، لفظ يقتضی معنی المساواة». یعنی: عدالت و معادلت کلمه ای است که اقتضای مساوات می کند. او قسط را به معنای عدالت نیز گرفته و می گوید: «القسط هو النصیب بالعدل»، قسط یعنی بهره عادلانه.

ملا مهدی و ملا احمد نراقی تعریفی فقهی - اخلاقی از عدالت ارائه داده اند:

عدالت عبارت است از ملکه ای که موجب انقیاد و اطاعت «قوه عملی» از

«قوه عقلی» می گردد به نوعی که هیچ عملی از آن سر نزنند مگر به فرموده

عقل و این در حالی به وجود می آید که ملکه عدالت در وجود آدمی استوار گردد، به طوری که همه اعمال و افعال انسان، بر روش اعتدال صورت گیرد (نراقی ۱۴۰۸ ج ۱: ۸۶-۸۵).

شیخ انصاری نیز عدالت را به معنای «استوار، استقامت یا هر دو آنها» تعریف کرده است (انصاری ۱۴۱۰ ج ۳: ۱۴۸-۱۴۷ به نقل از: قاضی زاده ۱۳۷۷: ۳۸۶).  
 علامه طباطبایی در تعریف عدالت می فرماید:

حقیقت عدل برپا داشتن مساوات است و برقراری موازنه بین امور، به طوری که هر چیزی سهم مورد استحقاق خویش را داشته باشد و در همه امور که در این نکته در جایگاه مستحق خویش هستند مساوی گردند (طباطبایی بی تا ج ۱۲: ۳۵۳).

استاد مطهری در کتاب *عدل الهی* در این باره می نویسد: «قطع نظر از اجتماع، عدالت عبارت است از اعطای حق به ذی حق یا عدم تجاوز به حق ذی حق» (مطهری ۱۴۰۳: ۱۶).  
 شهید محمد باقر صدر بر این باور است که تفسیر عدالت در اسلام، به جای آنکه انتزاعی و باز باشد، انضمامی و متعین و واقعیتی زنده و عجین با اسلام است (اخوان کاظمی ۱۳۸۲: ۲۲). او در تعریف عدالت می گوید: «عدالت عبارت است از استقامت بر شرع و طریقت اسلام» (جمشیدی ۱۳۷۷: ۲۵۵) و در ادامه می افزاید:

اینگونه عدالت در مسئولیت های نظیر مرجعیت علیای ولایت عامه بر مسلمین، قضا، امامت نماز جماعت و جمعه و اقامه شهادت شرط است و سزاوار است در درجه عالی از عدالت باشد و استقامت و اخلاص برای خدا در وجود او ریشه دوانده باشد (جمشیدی ۱۳۷۷: ۲۵۶).

مجید خدوری نیز پنج معنا برای عدل ذکر کرده است:

- ۱) راست گردانیدن یا راست و درست قرار گرفتن و نشستن یا اصلاح کردن و یا ایجاد تغییر؛
- ۲) گریختن، منحرف شدن یا برگشتن از مسیر غلط به مسیر صحیح؛
- ۳) برابر، معادل، همرتبه و همانند بودن یا برابر کردن؛
- ۴) توازن یا تعادل ایجاد کردن یا موزون بودن؛
- ۵) عدل یا عدل به معنای مثل یا شبیه. (Khatturi 1984: 5-6)

هرچند مفهوم عدل نیز به عنوان برابری یا ایجاد مساوات و به معنای مساوی داشتن چیزی با چیز دیگر به کار می رود. این معنا ممکن است در اصطلاح به گونه‌ای کیفی یا کمی بیان شود. البته عدالت در حوزه کیفی به معنای اصل مجمل «برابری» است که در بردارنده معنای تساوی در مقابل قانون یا داشتن حقوق برابر در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی است. عدالت در حوزه کمی براساس اصل عدالت توزیعی بیان می‌شود و بهترین بیان و معنای آن در برخی مترادف‌های عدالت چون نصیب، قسط و میزان است. بنابراین در یک جمع بندی می‌توان گفت: عدالت در واقع احقاق حق و قرار دادن هرچیز در جای شایسته خویش و واگذاری امور و مناصب و خیرات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به افراد برحسب شایستگی‌ها، توان و لیاقت‌ها می‌باشد. اما در عرصه فرصت‌ها عدالت برابری همگانی است و در عرصه اقتصاد توزیعی عدالت بر مبنای نیازها در سطح معیشت و نوعی برابری نسبی در همین سطح و نه در سطح درآمد است و انصاف و برابری و مساوات و وسطیت و اعتدال و... همه و همه از الزامات و مصادیق عدل و قسط محسوب می‌شود.

### جایگاه عدالت و سطوح آن در اندیشه امام خمینی

امام خمینی، به عنوان بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران، عدالت را یکی از مهم‌ترین ارزش‌های جوامع بشری در همه اعصار و مکان‌ها می‌داند. تأکید و تکرار ایشان بر مفهوم عدالت و مضامین نزدیک به آن در آثار خویش گواه آن است که از یک سو عدالت در نزد امام دارای ارزش زیادی بوده و از سوی دیگر مواردی همانند ظلم، جور و... به شدت مورد نفی و طرد واقع شده‌اند. سیری در *صحیفه امام* بیانگر آن است که مفاهیمی از قبیل عدالت ۴۲۰ بار، عدل ۳۴۶ بار، محروم ۳۸۹ بار، محرومان ۱۰۵ بار، محرومین ۸۶ بار، مستضعفان ۳۱۰ بار، مستضعف ۲۵۵ بار، فقیر ۱۳۸ بار، فقرا ۱۲۵ بار، فقر ۱۱۳ بار، و مصادیق مشابه دیگر نیز بارها به شکل اثباتی تأکید و بر لزوم توجه به آنها بسیار توصیه شده است. در کنار اینها مواردی همچون جور ۸۳۸ بار، ظلم ۸۱۲ بار، فساد ۷۸۲ بار و ستم ۲۰۷ بار به گونه سلبی خاطر نشان و بر حذف و ریشه کنی آنها از عرصه جامعه پافشاری گردیده است (آقاپور ۱۳۸۴: ۷۱).

غور و تعمق در مکتوبات و گفتارهای امام، گویای آن است که تأکیدات مکرر و مستمر او بر مفاهیمی مثل عدل، عدالت، عدالت اجتماعی، توجه به محرومین و مستضعفین و کوخ نشینان و

فقیران و پابرهنگان و... از یک سو، و حملات تند و گزنده اش علیه ظلم، نابرابری، تبعیض، فساد و... از سوی دیگر، دالّ روشنی بر منزلت والای عدالت و عدالت اجتماعی در نزد وی بوده است. امام خمینی به اقتضای نگاه چند بعدی خود، تلقی‌های گوناگونی از عدالت دارد و همین برداشت‌ها، نشانه‌ای بر تک ساحتی نبودن عدالت و حضور آن در عرصه‌های گوناگون جامعه، از نظر ایشان است.

مکتوبات امام خمینی، این واقعیت را به تصویر می‌کشند که ایشان، مفهوم عدالت را در سه سطح: خرد، متوسط و کلان در نظر داشته و بر این امر تأکید کرده‌اند که نقطه شروع عدالت در عرصه انسانی، از خود انسان است، بعد افراد دیگر و گروه‌ها و سپس کل جامعه و در نهایت هم در میان ملل و جوامع مختلف مطرح می‌گردد. امام خمینی در خصوص عدالت بر چند قلمرو تأکید بیشتری نموده‌اند، عرصه سیاسی، عرصه قانونی و حقوقی، عرصه اقتصادی و عرصه اجتماعی. به عنوان مثال، در عرصه اجتماعی، گاه عدالت به معنای قائل نشدن امتیاز برای قشرهای خاص است (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۹: ۷۲). «باید این امتیازات از بین برود؛ و همه مردم علی السواء هستند با هم» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۶: ۴۶۱). یا در عرصه اقتصادی بر لزوم تبیین جهت‌گیری اقتصادی اسلام به سه شاخص مهم یعنی حفظ منافع محرومین، گسترش مشارکت عمومی در ثروت‌های جامعه و مبارزه با زراندوزی تأکید می‌کند و این نکته را بارها تذکر می‌دهد:

اسلام تعدیل می‌خواهد؛ نه جلو سرمایه را می‌گیرد و نه می‌گذارد سرمایه آن  
طور بشود که یکی صدها میلیارد دلار داشته باشد... و یکی شب برود پیش  
بچه‌هایش نان نداشته باشد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۸: ۴۷۰) در جمهوری اسلامی  
برای فقرا فکر رفاه خواهد شد؛ مستمندان به حقوق خودشان می‌رسند (امام  
خمینی ۱۳۸۵ ج ۶: ۵۲۵).

در مورد انواع عدالت در دیدگاه امام می‌توان بیان کرد که ایشان در مواردی از عدالت فردی و اجتماعی صحبت کرده‌اند:

همه زحمت انبیا برای این بود که یک عدالت اجتماعی درست بکنند برای  
بشر در اجتماع، و یک عدالت باطنی درست کنند برای انسان در انفراد (امام  
خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۱: ۳۸۶)

امام خمینی در تعریف عدالت فردی می‌نویسد: «عدالت، ملکة (صفت نفسانی) ریشه‌داری است که همواره انسان را به ملازمت تقوا - ترک محرّمات و فعل واجبات وادار می‌کند. وصف



عدالت - حکماً (نه واقعاً) - با ارتکاب گناهان کبیره یا اصرار بر صغیره زایل می‌شود، حتی با ارتکاب صغیره (بدون اصرار) نیز، بنا بر احتیاط (واجب) چنین است. و اگر توبه کند، وصف عدالت بازمی‌گردد به شرط آنکه ملکه عدالت باقی باشد» (امام خمینی ۱۴۲۱ ج ۱ و ۲: ۱۳ مسأله ۲۸ الی ۲۹).

مهم‌ترین مقوله‌ای که در چهارچوب عدالت اجتماعی و در ذیل قلمرو اقتصادی مورد توجه فراوان امام خمینی بود، توزیع عادلانه ثروت و درآمد، (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۴: ۵۰۵) و کاهش (و حتی حذف) شکاف میان فقیر و غنی می‌باشد. یکی از مؤلفه‌های دیگری که امام در ذیل عدالت اجتماعی به آن عنایت و توجه ویژه‌ای داشت برخورداری همه افراد جامعه از آموزش و پرورش و دسترسی برابر همه ملت به فرصت‌های آموزشی می‌باشد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۱: ۴۴۶).

### عدالت اجتماعی در اندیشه امام خمینی

هر چند امام خمینی در آثار و بیانات خود به ارائه مفهوم خاصی از عدالت اجتماعی یا بعد اجتماعی آن نپرداخته است (قاضی زاده ۱۳۷۷: ۲۸۹) ولی نگرش و توجهی که به مسأله قسط و عدالت در جامعه و نهادهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، قضایی آن داشته بیانگر این امر است که عدالت را نه صرفاً ملکه یا فضیلتی فردی بلکه خصلت و حالتی اجتماعی می‌داند. در این نگرش عدالت خصلت و ویژگی قوانین سیاسی و اجتماعی و نیز ویژگی گروه‌ها و نهادهای اجتماعی و سیاسی و، مهم‌تر از آن، خصلت و ویژگی جامعه انسانی است. به عنوان مثال، یکی از مهم‌ترین و شاید ویژگی اصلی حکومت جمهوری اسلامی را تحقق عدالت می‌داند.

در جمهوری اسلامی زورگویی نیست، در جمهوری اسلامی ستم نیست...

در جمهوری اسلامی برای فقرا فکر رفاه خواهد شد؛ مستمندان به حقوق

خودشان می‌رسند... عدالت الهی بر تمام ملت، سایه می‌افکند (امام خمینی

۱۳۸۵ ج ۶: ۵۲۵).

همچنین، از دید امام خمینی وضع احکام دین و کلیت دانش فقه و موضوع آن در جهت

تحقق عدالت است، زیرا احکام همگی اموری ابزاری و وسیله تحقق عدالت در جامعه‌اند:

احکام شرعی قوانین اسلام هستند و این احکام شأنی از شئون حکومت می

باشند، بلکه احکام، مطلوب بالعرض و اموری ابزاری هستند برای اجرای

حکومت و گسترش عدالت (ر.ک: امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۲: ۶۳۳).

از سوی دیگر، باید دانست که در نگاه او در جامعه مبتنی بر توحید، عدل الهی منشأ تمام امور خواهد بود. بنابراین عدالت در جامعه منتج از عدل الهی و توحید است. چه به زعم ایشان در جامعه توحیدی، همه امتیازات لغو می‌شود و تقوا ملاک امور خواهد بود. در چنین جامعه‌ای «زامدار با پایین‌ترین فرد جامعه برابر است. ضوابط و معیارهای متعالی الهی و انسانی مبنای پیمان‌ها و یا قطع روابط است» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۵: ۸۱).

بر همین اساس می‌توان استنباط کرد که امام خمینی معتقد است که عدل الهی - به طور نسبی - می‌تواند در جامعه تحقق یابد و انسان‌ها می‌توانند بر اساس آن به تحقق نوعی از عدالت در جامعه، از طریق تشکیل حکومت و ایجاد نظامات سیاسی، اقدام نمایند:

*البته بسط عدالت، همان بسط صفت حق تعالی است برای اشخاصی که چشم دارند. بسط عدالت هم می‌دهند، عدالت اجتماعی هم به دست آنهاست، حکومت هم تأسیس می‌کنند، حکومتی که عدالت عادلانه باشد (امام خمینی الف ۱۳۸۱: ۱۷۴).*

مهم‌تر از همه اینکه، از دید امام خمینی، اسلام قابلیت تحقق عدالت در همه ابعاد را مطرح کرده است و با شناخت آن می‌توان عدالت را در جامعه پیاده نمود. به علاوه، آنچه اسلام در مورد عدالت آورده است «به طور عاقلانه و قابل عمل و عینیت... به طور کامل» است (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۳: ۳۲۳). بنابراین امام بر اسلامی نظر دارد که عدالت، محور و اساس آن است: «ما عدالت اسلامی را می‌خواهیم در این مملکت برقرار کنیم... یک همچو اسلامی که عدالت باشد در آن، اسلامی که در آن ظلم هیچ نباشد» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۹: ۴۲۵-۴۲۴)

بر این اساس اگر در جامعه‌ای تساوی در برابر قوانین وجود داشته باشد و جایی برای تبعیض و دوگانگی باقی نمانده باشد و همه اقشار جامعه به حقوق خود رسیده باشند می‌توان آن جامعه را متصف به عدالت دانست. بنابراین از دید امام خمینی، عدالت منحصر به قوه قضاییه یا افراد انسانی نیست بلکه به تمامی نهادهای اجتماعی مربوط می‌شود:

*عمل به عدل اسلامی مخصوص به قوه قضاییه و متعلقات آن نیست، که در سایر ارگان‌های نظام جمهوری اسلامی از مجلس و دولت و متعلقات آن و قوای نظامی و انتظامی و سپاه پاسداران، و کمیته‌ها و بسیج و دیگر متصدیان امور نیز به طور جدی مطرح است (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۷: ۱۴۰).*

همچنین به لحاظ اجتماعی، استفاده امام از واژه عدالت در موقعیت‌های مختلف به اقتضا، جنبه ای از معنای این مفهوم به کار گرفته شده است. برای مثال، برخی از کاربردهای امام از این واژه در امور سیاسی و اجتماعی به شرح زیر می باشد:

- ۱) عدالت به معنای قائل نشدن امتیاز برای قشرهای (خاص) (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۹: ۷۲).
  - ۲) عدالت به معنای اینکه «طبقات مختلف به طبقات پایین ظلم نکنند. باید حق فقرا، حق مستمندان داده بشود...» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۶: ۴۶۱).
  - ۳) عدالت به معنای؛ قیام انسانها به قسط که به معنای رفع ستمگری‌ها و چپاول‌گری‌هاست (برای نمونه ر.ک. به: امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۵: ۲۴۰).
  - ۴) اقامه عدل یعنی نجات مستمندان از زیر بار ستمگران و کوتاه کردن دست ستمگران (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۷: ۵۲۸).
  - ۵) بسط عدالت «رفع ایادی ظالمه و تأمین استقلال و آزادی و جریانات اقتصادی و تعدیل ثروت به طور عاقلانه و قابل عمل و عینیت، در اسلام [است]» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۳: ۳۲۳).
- در اینجا برای روشن تر شدن مفهوم عدالت اجتماعی از دیدگاه امام خمینی به بیان مفاهیم اصلی مورد نظر ایشان که ذیل عدالت اجتماعی قرار می گیرند اشاره می کنیم:

### ۱- احقاق حق

همان‌طور که پیش از این بیان شد یکی از مفاهیم اصلی عدالت که اندیشمندان مختلف به آن توجه داشته‌اند<sup>۱</sup>، دادن حق به صاحبان حق است. امام خمینی نیز در مواردی، به این تعبیر و ضرورت اعطای حق افراد اشاره داشته‌اند. از جمله ضمن اینکه می فرمایند اسلام حکومت عدل است، و بیان می دارند:

با جمهوری اسلامی سعادت، خیر، صلاح برای همه ملت است. اگر احکام اسلام پیاده بشود، مستضعفین به حقوق خودشان می‌رسند؛ تمام اقشار ملت به حقوق حقه خودشان می‌رسند؛ ظلم و جور و ستم ریشه کن می‌شود (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۶: ۵۲۵).<sup>۲</sup>

۱. از جمله حضرت علی می فرمایند: «العدل اعطاء کل ذی حق حقه».

۲. همچنین رجوع شود به؛ (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲: ۴۵؛ ج ۱۱: ۲۶؛ ج ۴: ۲۴۲؛ ج ۷: ۱۴۶ و...).

## ۲- عدالت به معنای مراعات شایستگی‌ها

طبق این مفهوم، عدالت مطابق ویژگی‌ها و شئون افراد توجیه می‌شود که به معنای ارزش قائل شدن برای هر فرد برابر ویژگی‌ها و شایستگی‌های اوست.<sup>۱</sup> امام خمینی این مفهوم را نیز برای عدالت مورد توجه قرار داده‌اند و از جمله می‌فرمایند: «برنامه جمهوری اسلامی این است که یک دولتی به وجود بیاورید که با همه قشرها به عدالت رفتار کند؛ و امتیاز بین قشرها ندهد، مگر به امتیازات انسانی که خود آنها دارند» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۹: ۷۲). همچنین حضرت امام در موارد دیگری رعایت شایستگی‌های افراد را برابر عدالت دانسته‌اند.<sup>۲</sup> لذا می‌توان گفت این مفهوم از عدالت نیز مورد پذیرش و نظر ایشان بوده‌اند.

## ۳- عدالت به معنای مساوات و برابری

بر اساس این مفهوم، به نظر نگارنده یکی دیگر از معانی عدالت در اندیشه امام خمینی، به معنای برابر و مساوی دانستن همه افراد در امور است. امام خمینی<sup>(ره)</sup> بر این مفهوم نیز تأکید داشته‌اند و می‌فرمایند:

در اسلام هیچ امتیازی بین اشخاص غنی و غیر غنی، اشخاص سفید و سیاه، اشخاص [و] گروه‌های مختلف، سنی و شیعه، عرب و عجم، و ترک و غیر ترک - به هیچ وجه - امتیازی ندارند. قرآن کریم امتیاز را به عدالت و به تقوا دانسته است کسی که تقوا دارد امتیاز دارد، کسی که روحیات خوب دارد امتیاز دارد؛ ... امتیاز به داراییها نیست. باید این امتیازات از بین برود؛ و همه مردم علی السواء هستند با هم (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۶: ۴۶۱).  
... اسلام... عدالتش هم عبارت از این است که ملت‌ها همه به طور عدالت و به طور تساوی با هم زندگی بکنند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۳: ۲۲۲).

## ۴- عدالت به معنای انجام دادن صحیح و بایسته امور

این معنای عدالت بر این مفهوم استوار است که هر امری اگر به صورت صحیح و آن طور که باید باشد انجام شود، عادلانه است. امام خمینی به این نوع از عدالت هم توجه خاصی داشته‌اند و در

۱. در این زمینه نیز از حضرت علی<sup>(ع)</sup> نقل است: «العدل یضع کل شیء علی موضعه»، و همچنین قرآن نیز تصریح می‌کند «هَلْ یَسْتَوِی الْأَعْمَىٰ وَ الْبَصِیرَ» (رعد: ۱۶) و یا «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىٰ» (حجرات: ۱۳) و نظیر اینها.  
۲. در این زمینه همچنین می‌توان رجوع کرد به: (امام خمینی ۱۳۷۴: ۲۰، بی تا: ۲۵۹).

مواردی انجام امور به صورت صحیح و اصلاح امور را مطابق عدالت قلمداد کرده‌اند. ایشان در خصوص این موضوع فرموده‌اند:

جمهوری اسلامی معنایش این است که عدالت باشد، عدالت این است که این آدمی که الآن احتیاج به من دارد، از خارج آمده الآن، از راه دور آمده، به این اداره احتیاج دارد، زود رسیدگی بشود به احتیاج این. این طور نباشد که یک کسی که آشنای ما هست، جلو کارش را انجام بدهیم، یک کسی که خیر، غریبه هست، عقبتر انجام بدهیم و هکذا... این چیزهایی که می‌شد دیگر نگذارید بشود (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۹: ۲۰).

در اینجا تأکید امام بر مسئولین کشور به رعایت عدالت در انجام کارها و امور اداری و تبعیض قائل شدن بین افراد مختلف بر مبنای مناسبات فامیلی، دوستی و... است. چنین می‌توان استنباط کرد که ایشان همه را به رعایت عدالت در انجام صحیح امور توصیه می‌کنند.

**۵- عدالت به معنای انصاف:** تعبیر عدالت به انصاف و عمل منصفانه به عنوان عمل عادلانه نیز از جمله مفاهیم ارائه شده برای عدالت است. امام خمینی این را نیز مورد تأکید قرار داده‌اند و در جایی می‌فرمایند:

استفاده جو[ها]... [اقشار] روی موازین انسانی و روی انصاف عمل بکنند، من امیدوارم که حکومت عدل اسلامی - آن طوری که ما می‌خواهیم، آن طوری که خدای تبارک و تعالی می‌خواهد - تحقق پیدا بکند که برای همه، رفاه و سعادت، هم در اینجا و هم در آنجا، فراهم بشود (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۷: ۳۰۵)

همچنین ایشان در سخنرانی نسبت به اقداماتی که شاه و حکومت شاهنشاهی انجام می‌دادند چنین می‌فرمایند: «[حکومت شاه] برخلاف موازین اسلامی، برخلاف موازین عدل و انصاف، هر چه ظلم می‌توانند به این مستضعفین می‌کنند» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۱: ۹۵).

همان‌طور که اشاره شد یکی دیگر از مفاهیمی که بسیار مورد توجه امام بوده، مفهوم انصاف می‌باشد. ایشان همه را به رعایت انصاف توصیه می‌کرد و معتقد بود بسیاری از بحران‌های کشور ناشی از عدم رعایت عدل و انصاف در رژیم‌های گذشته است.

## ۶- عدالت به معنای بی‌طرفی

در این مفهوم که بعد اجتماعی آن غنی‌تر است، عدالت به بی‌طرفی تعبیر شده است؛ یعنی اینکه در برخوردهای اجتماعی، یا در مسند قضاوت، اگر جانبدارانه عمل نکنیم عادلانه است. امام در این مورد فرموده‌اند:

*این دستوری است برای همه ماها که باید در مسند قضا، یکی که نشست، همه ملت پیشش با یک نظر باشد. تمام نظرش به اجرای عدالت باشد. عدالت، در دشمنش هم به طور عدالت، در دوستش هم به طور عدالت. نه اینجا مسامحه کند و نه آنجا سختگیری کند. (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۳: ۱۱۶).*

باید در هر جا که باشید و هر مطلبی که پیش شما بیاید، هر قضاوتی که پیش شما بیاید، به طور حق، به طور عدالت [قضاوت کنید] (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۳: ۱۱۶). البته این تعبیر بیشتر قضایی، حکومتی (مدیریتی) است. همچنین امام خمینی موضع کشور ایران را در قبال کشورهای دیگر این چنین بیان می‌کنند: «دولت آینده نسبت به همه دولت‌ها بی‌طرف خواهد بود و با تمام دولت‌ها به طور عادلانه رفتار می‌کند» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۵: ۴۲۳).

براساس آنچه بیان شد، مفهوم عدالت از دیدگاه امام خمینی بسیار گسترده است و جنبه‌های الهی، فردی و اجتماعی را نیز در برمی‌گیرد. در این قالب، امام خمینی تعاریف چند از عدالت را گوشزد می‌کنند. گاه عدالت به معنای «حد وسط بین افراط و تفریط» به کار گرفته می‌شود. اما در جای دیگری امام صریحاً بر مضمون عدالت اجتماعی اشاره کرده و معنای عدالت را «قائل نشدن امتیاز برای اقشار (خاص) مگر به امتیازات انسانی که خود آنها دارند»، «طبقات مختلف به طبقه پایین ظلم نکنند» و «قیام به قسط و رفع ستمگری‌ها و چپاولگری‌ها و رفع ایادی ظلم و تأمین استقلال و تعدیل ثروت به طور عاقلانه و قابل عمل و عینیت در اسلام» عنوان می‌کنند (میرسندسی ۱۳۷۵: ۸۰).

امام هر گونه نابرابری برخاسته از قدرت، ثروت، طبقه، نژاد، قومیت، زبان، جنسیت و حتی فضای جغرافیایی را به شدت زیر سؤال برده و آن را مغایر با عدالت اجتماعی می‌داند. امام به کرات یادآوری کرده است که در اسلام بین نخست وزیر و غیر نخست وزیر هیچ فرقی وجود ندارد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۶: ۴۶۳) هیچ امتیازی بین اشخاص غنی و غیر غنی نیست و صاحبان مال و منال هیچ برتری بر فقرا ندارند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۶: ۴۶۱). اسلام طبقه‌ای را بر طبقه دیگر ترجیح نداده و تمام طبقات را مساوی دانسته است (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۷: ۳۲۸). اسلام دین برابری و برادری

است و در آن اصلاً نژاد مطرح نیست (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۹: ۴۹). در اسلام نژاد، قومیت، زبان و ناحیه مطرح نیست، همه برادر و برابر بوده و برخوردار از همه حقوق و مزایای اسلامی هستند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۹: ۳۵۱).

درواقع امام خمینی به گونه‌ای بارز و روشن مفهوم و مصداق عدالت اجتماعی را (هر چند در قالب مؤلفه‌های عام و کلی) تشریح نموده‌اند و بر این عقیده‌اند که معیار تمام تصمیم‌گیری‌های حکومت و از جمله توزیع امکانات و فرصت‌های مختلف و متعدد در جامعه و خرده بخش‌های آن بایستی مبتنی بر عدالت اجتماعی (نه بر پایه امتیازات برخاسته از عواملی همچون قدرت، ثروت، نژاد، قومیت، زبان، جنسیت و قلمرو جغرافیایی) باشد و البته در این میان توجه بیشتری بر اقشار محروم و گروه‌های نیازمند جامعه گردد (آقاپور ۱۳۸۴: ۸۳).

### راه‌های تحقق عدالت اجتماعی از دیدگاه امام خمینی

امام خمینی با نفی جبر و تفویض و پذیرش امر بین الامرین بر عقل، آزادی و اختیار انسان در تصمیم‌گیری و اراده سرنوشت خود صحنه گذاشت. او می‌گوید: آدمی نه تنها توان تحقق عدالت را در نفس خود - به مثابه ملکه‌ای اخلاقی - داراست بلکه می‌تواند نظام اجتماعی مبتنی بر عدالت را پی‌ریزی و ایجاد نماید. به علاوه: «حکمت آفریدگار بر این تعلق گرفته که مردم به طریقه عادلانه زندگی کنند، و در حدود احکام الهی قدم بردارند. این حکمت همیشگی و از سنت‌های خداوند متعال، و تغییرناپذیر است» (امام خمینی ۱۳۸۱: ۴۰). این بیان حاکی از آن است که بشر به صورت بالقوه توانایی و امکانات و شرایط لازم را برای چنین زیستی داراست. برخی پنداشته‌اند که امام خمینی در مسائل اجتماعی بیشتر به توزیع منابع و امکانات اقتصادی جامعه توجه داشته است در حالی که این گونه نیست. او علاوه بر تکیه بر توزیع عادلانه ثروت‌ها و امکانات جامعه، به توزیع صحیح و عادلانه مناصب، برابری آدمیان در برابر قانون، رفتار عادلانه حکومت با مردم و... اهمیت بسیاری قائل است. به عنوان مثال، از منظر او اجرای عدالت است که جامعه را تبدیل به صورت ظاهر قرآن می‌کند.

قرآن... برای رفع ظلم از بین بشر آمده است، یعنی یک بعدش این است که ظلم را از بین بشر بردارد و عدالت اجتماعی را در بشر ایجاد کند، ما اگر کوشش کنیم و آنهایی که تابع قرآن خودشان را می‌دانند... آن وقت یک دنیایی می‌شود که صورت ظاهر قرآن می‌شود (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۷: ۴۳۴).

امام در مورد برخورد قانون با همه افراد جامعه به طور یکسان می فرمایند: «... ملت چنانچه نخست وزیر هم یک وقت ظلم کرد در دادگاهها از او شکایت می کند و دادگاهها او را در دادگاه می برند؛ و جرم او اگر ثابت شد، به سزای اعمالش می رسد» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۶: ۴۶۳).

بنابراین، امام خمینی نه تنها بر اساس چنین نگرشی به عدالت، مبارزه سرسختانه با هر گونه جبر و جباریت و استبداد و ستم و نفی حقوق بندگان را در سرلوحه زندگانی خود قرار داد، بلکه بر حمایت از محرومان و مستضعفان جامعه و نفی شکاف طبقاتی نیز اصرار داشت به گونه ای که با تکیه بر اصل حد وسط و نفی افراط و تفریط دیدگاه متوازنی در باب عدالت توزیعی در حوزه اقتصاد مطرح ساخت که میزان بهره مندی افراد را از منابع اقتصادی جامعه تابع استعدادها، توان، شایستگی و لیاقت آنها، با رعایت حمایت از اقشار مستضعف قرار داد. لذا از دید او باید به سویی حرکت کرد تا «همه افراد این ملت یک زندگی متوسطی که باید داشته باشند، داشته باشند» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۷: ۴۲۷). در نگاه او بی عدالتی نیز که امر عرضی در جوامع بشری است و به ذات آدمیان و ماهیت جوامع مربوط نمی شود، قابل رفع است. امام خمینی رویکرد کلی اسلام در حوزه عدالت توزیعی را در جامعه این گونه بیان می نماید:

اسلام نه با سرمایه داری ظالمانه و بی حساب و محروم کننده توده های تحت ستم و مظلوم موافق است، بلکه آن را به طور جدی در کتاب و سنت محکوم می کند و مخالف عدالت اجتماعی می داند... و نه رژیمی مانند رژیم کمونیسم و مارکسیسم لنینیسم... بلکه اسلام یک رژیم معتدل با شناخت مالکیت و احترام به آن به نحو محدود در پیدا شدن مالکیت و مصرف، که اگر بحق به آن عمل شود چرخهای اقتصاد سالم به راه می افتد و عدالت اجتماعی که لازمه یک رژیم سالم است تحقق می یابد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۴۴۴).

امام خمینی برخی راه های اساسی برای عملی کردن عدالت اجتماعی در جامعه را چنین برمی

شمارد:

#### ۱- تعدیل برای حذف فاصله طبقاتی

حضرت امام در بیانات متعددی در خصوص از بین بردن فاصله طبقاتی و تأکید بر لزوم تعدیل ثروت ها سخن گفته اند و به همه اقشار مرفه در جامعه توصیه می کنند که به فکر طبقات پایین



جامعه باشند. ایشان معتقدند که با تعدیلی که در وضعیت کشور و نظام به وجود خواهد آمد فاصله طبقاتی کمتر شده و فقیر و غنی در یک سطح قرار خواهند گرفت:

اسلام برای مستضعفین است. من اشخاصی که سرمایه دار بودند، اشخاصی که عرض می‌کنم کارخانه دار بودند... من با آنها صحبت کردم گفتم به اینکه نمی‌شود این‌طور که یک دسته‌ای آن‌طور زندگی بکنند،... و یک دسته دیگر توی این زاغه‌ها باشند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۰: ۳۴۷).

این اشخاص فاسد را بکشیم یک قدری پایین، و این مستضعفین را یک قدری بالا و به هم نزدیکشان بکنیم... ما با وجوه شرعی، با ولایت الهیه با آنها عمل می‌کنیم (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۰: ۳۴۸).

در جای دیگری امام در خصوص لزوم تعدیل سرمایه‌ها می‌فرماید:

حکومت اسلامی یک نظام عادلانه است؛... باید این زاغه‌نشینهای بیچاره‌ای که هیچ ندارند، هیچ ندارند، باید برای اینها فکر کرد؛ نه همه برای آن بالا و آن اشراف، برای اشراف؛... حکومت مال همه است، برای همه باید کار بکنند. برای ضعیف‌ها باید بیشتر کار بکنند تا اینها را برسانند به آن حدها (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۴: ۲۰۱).

همان‌طور که مشاهده شد امام خمینی در بیانات مختلف و در تقریرات خود بر لزوم حذف و از بین بردن فاصله بین طبقات بالا و پایین جامعه توجه ویژه‌ای داشته‌اند. یکی از مهم‌ترین راه‌های برقراری عدالت اجتماعی در جامعه اسلامی را توزیع عادلانه ثروت‌ها و کم شدن شکاف بین فقرا و ثروتمندان دانسته‌اند.

## ۲- حفظ منافع محرومان و گسترش مشارکت عمومی آنان

این مورد نیز رابطه نزدیکی با مورد قبلی دارد و اجرای هر کدام از اینها با اجرای دیگری محقق خواهد شد. در این خصوص امام با توجه ویژه‌ای که نسبت به محرومان و مستضعفین جامعه اسلامی دارند، می‌فرماید:

ارائه طرحها و اصولاً تبیین جهت‌گیری اقتصاد اسلام در راستای حفظ منافع محرومین و گسترش مشارکت عمومی آنان و مبارزه اسلام با زراندوزان،

بزرگترین هدیه و بشارت آزادی انسان از اسارت فقر و تهیدستی به شمار می رود (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۰: ۳۴۰).

چنانچه ملاحظه می شود، امام خمینی اصولاً با تأکید خاصی اشاره دارند که جهت گیری نظام اسلامی حفظ منافع محرومین است؛ و تنها آنچه باقی مانده تبیین و اجرای آن در عمل است. این جهت گیری مشخص می کند آنچه باید از برآیند نظام اسلامی حاصل شود، حمایت از محرومین و مستضعفین جامعه در راستای گسترش عدالت اجتماعی است.

ایشان به تصریح این مطلب پرداخته و آن سیستمی را که باید جایگزین سیستم ناصحیح حاکم بر جهان اسلام شود، از دید اسلام، سیستمی می داند که در برگیرنده منافع محرومین و پابرهنه ها باشد. این امر را وظیفه علما و کارشناسان اسلامی می دانند:

*این به عهده علمای اسلام و محققین و کارشناسان اسلامی است که برای جایگزین کردن سیستم ناصحیح اقتصاد حاکم بر جهان اسلام، طرحها و برنامه های سازنده و دربرگیرنده منافع محرومین و پابرهنه ها را ارائه دهند و جهان مستضعفین و مسلمین را از تنگنا و فقر معیشت به در آورند. (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۰: ۳۴۰).*

پس از دید امام، یکی از اهداف نظام اسلامی برای برقراری عدالت اجتماعی در جامعه، باید رهاییدن مستضعفین و مسلمین از تنگنا و فقر معیشت باشد. از دید ایشان، این امر در تدوین قوانین و لوایح نیز باید لحاظ شود (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۰: ۳۳۳).

### ۳- اجرای قوانین و مقررات اسلام

امام خمینی هدف انقلاب اسلامی را برقراری قانون اسلام می دانند و معتقدند که با اجرای قانون اساسی که منطبق با قانون اسلام است و عمل به آن، همه اقشار جامعه به خواسته های خود خواهند رسید و از این طریق عدالت اجتماعی در جامعه به وجود خواهد آمد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۴: ۴۶۱؛ ج ۹: ۱۶۶):

*قوانین اسلام به نیازهای انسان پاسخ می گوید؛ ... اسلام روش و رفتار هر فرد را در برابر جامعه، طی قوانین خاصی مدون و تنظیم کرده است. اسلام چگونگی سیاست جامعه را در رابطه با اقلیت های مذهبی، مشخص ساخته است. از این نظر قوانین اسلام واقعاً پیشرو و پیشاهنگ هستند. اگر قوانین*

اقتصادی اسلام اجرا شود، مملکت یک اقتصاد مترقی خواهد داشت (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۴: ۲۴۲).

#### ۴- همراهی حکومت با اقشار ضعیف جامعه<sup>۱</sup>

امام در سخنرانی خطاب به مسئولین و علما و دولتمردان می فرمایند: «شما بیایید احکام الهی را اجرا کنید. باید قوانین وضع بشود که حقوق محرومین و فقرا به آنها بازگردانده شود، این وظیفه شماست» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۴: ۳۰۴).

این مورد نیز نمونه روشنی از حمایت امام از طبقات ضعیف و پایین جامعه برای برقراری عدالت می باشد. ایشان حتی به طبقات پایین جامعه گوشزد می کنند که در انتخاب افراد دلسوز دقت کنند چون که اگر این افراد از جنس خودشان نباشد توازن در جامعه حفظ نخواهد شد و به مسئولان نیز توصیه می کنند که همیشه یار و همراه طبقات پایین باشند زیرا در حکومت های قبلی طبقات ضعیف خیلی مورد ظلم واقع شده اند.

#### ۵- مراعات اصل ساده زیستی و نفی تجملات

هر یک از این راهکارهایی که رهبر فرزانه انقلاب اسلامی برای برقراری عدالت اجتماعی در جامعه در لابه لای سخنانشان بیان کرده اند در رابطه بسیار نزدیک با یکدیگر هستند. ایشان توجه ویژه ای به زندگی پیامبر اسلام (ص) و ائمه معصومین (ع) داشته اند و روش زندگی آنان را نمونه و الگوی خود در زندگی قرار داده بودند و به مردم و علما و دولتمردان توصیه کردند که به دور از تجملات باشند و ساده زیستی را سر لوحه زندگی خود قرار دهند.<sup>۲</sup> ایشان خطاب به مسئولین و روحانیون می فرمایند:

از اهم مسائلی که باید تذکر بدهم، مسئله ای است که به همه روحانیت و دست اندرکاران کشور مربوط می شود، و همیشه نگران آن هستم که مبادا این مردمی که همه چیزشان را فدا کردند و به اسلام خدمت نموده و به ما منت گذاشتند، به واسطه اعمال ما از ما نگران بشوند، زیرا آن چیزی که مردم از ما توقع داشته و دارند و به واسطه آن دنبال ما و شما آمده اند و اسلام

۱. ر.ک. به: (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۰: ۴۲-۴۱؛ ج ۱۵: ۸۲؛ ج ۲۰: ۱۳۰-۱۲۸).

۲. امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۶: ۳۳۰؛ ج ۷: ۲۵۷؛ ج ۹: ۵۱۰، ۵۱۷؛ ج ۱۷: ۴۵۲-۴۵۳؛ ج ۱۸: ۴۷۱؛ ج ۱۹: ۲۵۱).

را ترویج نموده... کیفیت زندگی اهل علم است. اگر خدای نخواست، مردم ببینند که آقایان وضع خودشان را تغییر داده اند، عمارت درست کرده‌اند... و آن چیزی را که نسبت به روحانیت در دلشان بوده است از دست بدهند، از دست دادن آن همان و از بین رفتن اسلام و جمهوری اسلامی همان (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۹: ۳۱۷).

شما گمان نکنید که اگر با چندین اتومبیل بیرون بیایید و جبهه تان پیش مردم بزرگ می شود، آن چیزی که مردم به آن توجه دارند... اینکه زندگی شما ساده باشد، همان طوری که سران اسلام و پیغمبر اسلام و امیر المؤمنین و ائمه ما زندگی شان ساده و عادی بود بلکه پایین تر از عادی (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۹: ۳۱۸).

#### ۶- نفی نفوذ سرمایه‌داران در حکومت

امام خمینی به اداره کنندگان کشور و عالمان توصیه می‌کنند که یکی از مسائل مهمی که بر عهده شما است، مقابله جدی با دو فرهنگ ظالمانه و منحط اقتصادی شرق و غرب و مبارزه با سیاست‌های اقتصادی سرمایه‌داری و اشتراکی در جامعه است (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۰: ۳۳۹). ایشان معتقدند هر چند که این مشکل دامن همه ملت‌های جهان را گرفتار خود کرده و عملاً بردگی جدیدی بر همه ملت‌ها تحمیل کرده و حق تصمیم‌گیری در مسائل اقتصاد جهان را از آنها سلب کرده ولی باید به مقابله با آنها برخاست و جایگزین مناسبی برای آن پیدا کرد.

از این عبارت چنین می‌توان استنباط کرد که دغدغه امام در مبارزه علیه حاکمیت سرمایه‌داری در جوامع و حکومت‌ها تنها منحصر به ایران نیست و ایشان معتقد بودند که تمام مردم کشورهای اسلامی و حتی تمامی مستضعفان جهان باید دست به چنین اقدامی بزنند. ایشان در سخنرانی دیگری در جمع اساتید و دانشجویان، بر نقش سنگین آنها در اداره کشور، و بر نقش علما و دانشمندان در برقراری عدالت و توازن در جامعه اشاره می‌کند و معتقد است که تمامی فسادهایی که در کشور وجود دارد از ناحیه طبقه سرمایه دار است که در مردم سرایت کرده است. (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۷: ۲۵۹).

## ۷- نفی حب دنیا و دنیاپرستی

امام خمینی بزرگ‌ترین عامل بی‌عدالتی را حب دنیا و مظاهر آن دانسته است. به عنوان مثال در این خصوص می‌فرماید:

بحث دنیا خواهی و آخرت جوایی دو مقوله‌ای است که هرگز با هم جمع نمی‌شوند. و تنها آنهایی تا آخر خط با ما هستند که درد فقر و محرومیت و استضعاف را چشیده باشند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۸۶).

## ۸- توجه به آبادانی عمومی

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران یکی از مهم‌ترین اهداف نظام جمهوری اسلامی ایران و رهبر عظیم‌الشان آن عمران و آبادانی کشور و برقراری عدالت در همه سطوح بین اقشار مختلف جامعه اسلامی بود. این سازندگی نیازمند عزمی همگانی در بین همه اقشار ملت بود. امام در این مورد می‌فرماید:

آشفته‌گی مملکت ما و از هم ریختگی مملکت ما ... محتاج به این است که همه ملت ایران دست به دست هم بدهند و با هم این خرابه را آباد کنند... همه با هم، از کشاورز و کارگر تا صانع و ملأ، تا روحانی و دانشگاهی، تا اداری و ارتش، همه با هم، همه با هم باید کمک کنند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۶: ۲۷۰).

این عبارات نشانگر عمق درک امام از وضعیت موجود در جامعه پس از انقلاب دارند. ایشان به خوبی دریافته‌اند که برای ایجاد تعادل در جامعه، برقراری عدالت در بین تمام اقشار، و برای حفظ ارزش‌های اسلامی باید به توسعه بخش کشاورزی و روستایی اقدام کرد.

## ۹- تدوین قوانین به نفع محرومان جامعه

امام خمینی در توصیه‌ای که به نمایندگان مجلس خبرگان دارند، معتقدند که قانون اساسی باید حامی و حافظ حقوق و مصالح تمام اقشار ملت، به دور از تبعیض‌های ناروای گذشته باشد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۹: ۳۱۰). همچنین، خطاب به نمایندگان می‌فرماید:

طرح‌ها و پیشنهادهایی که مربوط به عمران و رفاه حال ملت خصوصاً مستضعفین است انقلابی و با سرعت تصویب کنید، و از نکته سنجیها و تغییر عبارات غیر لازم که موجب تعویق امر است اجتناب کنید (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۲: ۳۶۴).

همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد هر یک از این راهکارها در ارتباط بسیار نزدیکی با یکدیگر قرار دارند و تاحدودی کوتاهی در پرداختن و عمل به هر کدام از آنها، رسیدن به هدف نهایی را که همان برقراری عدالت در جامعه باشد به خطر خواهد انداخت. از این رو حضرت امام بر روی هر کدام از این موارد تأکید ویژه‌ای داشتند، و خواستار تعادل در جامعه اسلامی بودند.

#### ۱۰- نفی اخلاق سرمایه داری و کاخ نشینی

امام خمینی در این خصوص می‌فرماید:

ما باید کوشش کنیم که اخلاق کاخ نشینی را از این ملت بزداییم. اگر بخواهید ملت شما جاوید بماند و اسلام را به آن طوری که خدای تبارک و تعالی می‌خواهد، در جامعه ما تحقق پیدا کند، مردم را از آن خوی کاخ نشینی به پایین بکشید، خود کاخ نشینی این خوی را می‌آورد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۷: ۳۷۵).

سعادت‌مندا آنهايي بودند که در کوخها بودند. آنهايي که در کاخها هستند سعادت‌مند نیستند. آن مقداری که برکات از کوخها در دنیا منتشر شده است هیچ در کاخها پیدا نمی‌شود (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۷: ۳۷۳).

نهایت اینکه در دیدگاه او تحقق عدالت به مفهوم حقیقی و به دور از شوائب و اجرای آن، به معنای راستین و در بعد جهانی اش کار حضرت بقیة الله الاعظم (عج) است که به این معنا موفق خواهد شد و عدالت را در تمام دنیا اجرا خواهد کرد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۲: ۴۸۱).

#### نتیجه‌گیری

امام خمینی نگاه تک بعدی به عدالت ندارد بلکه به «چند بعدی بودن» مفهوم عدالت توجه داشته‌اند و به مقتضای موضوع به ابعاد مختلف آن در عرصه‌های گوناگون اشاره کرده‌اند. امام از مفهوم عدالت اجتماعی برای تصحیح روابط اجتماعی و طبقاتی جامعه و برای اصلاح جامعه و در

حقیقت ایجاد یک نظم اجتماعی فراگیر و پایدار در جامعه سود می‌جوید. این نشان دهنده میزان توجه امام به مفهوم عدالت اجتماعی است.

بر همین اساس در عرصه «برخورد قانون با مردم» امام معتقد به برابری و مساوات هستند. به این معنا که همه افراد، جدای از اینکه دارای چه نژاد، مذهب، موقعیت و... یا دارای چه موقعیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی هستند به لحاظ اجرای قانون و نحوه برخورد قانون با آنها به طور یکسان و در واقع به عنوان یک «انسان» مورد توجه قرار می‌گیرد. بنابراین مساوات طلبی محض در این عرصه در اندیشه امام مشاهده می‌گردد.

بر اساس اندیشه‌های امام می‌توان یک نظریه عدالت جدید و متمایز از انواع غربی و شرقی آن ساخت. نظریه‌ای که در حد وسط محور نظریه‌های عدالت در نگاه لیبرالیسم و سوسیالیسم جای می‌گیرد و می‌تواند مبنای حرکت و فعالیت‌ها و تصمیم‌گیری‌های کلان اقتصادی و اجتماعی در نظام جمهوری اسلامی باشد. شاخص‌های مهمی همچون «عدم پذیرش شکاف طبقاتی» و «توجه به محرومین و مستضعفین» و... به عنوان محورهای اساسی در اندیشه امام خمینی در زمینه عدالت اجتماعی مطرح شده‌اند.

در این نگاه عدالت به منزله وضع بایسته، یعنی عدالت به معنای وضعیتی که شایسته است در جامعه برقرار باشد، مطرح می‌شود. اگر هر کاری آن طور که سزاوار است انجام گیرد و به جا و به مورد باشد، هر توزیعی که برقرار می‌شود، صحیح و سزاوار باشد؛ و هر داوری که صورت می‌گیرد، برحق باشد؛ هر تصمیمی که اتخاذ می‌شود و هر انتخابی که صورت می‌گیرد همان باشد که صحیح است و باید باشد؛ در این صورت عدالت اجتماعی برقرار شده است. به عبارتی عدالت، رعایت حق در روابط و مناسبات اجتماعی و توزیع خیرات و امکانات و مناصب به نحو مناسب می‌باشد.

### منابع

- قرآن کریم.
- اخوان کاظمی، بهرام. (۱۳۸۱) *عدالت در نظام سیاسی*، تهران: انتشارات دانش و اندیشه معاصر.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۲) *عدالت در اندیشه‌های سیاسی اسلام*، قم؛ مؤسسه بوستان کتاب، چاپ اول.
- افلاطون. (۱۳۶۰) *جمهور*، ترجمه فواد روحانی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

- آقاپور، علی. (۱۳۸۴) *بررسی تحقق عدالت اجتماعی پس از انقلاب اسلامی ایران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته اندیشه سیاسی اسلام، پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی.
- امام خمینی، سید روح الله. (بی تا) *کشف الاسرار*.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۷۴) *شؤون و اختیارات ولی فقیه* (ترجمه مبحث ولایت فقیه از کتاب بیع)، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ چهارم.
- \_\_\_\_\_ . (الف ۱۳۸۱) *تفسیر سوره حمد*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ ششم.
- \_\_\_\_\_ . (۱۴۲۱) *تحریر الوسیله*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ و نشر عروج، چاپ اول.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۵) *صحیفه امام*، ۲۲ جلدی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ و نشر عروج، چاپ چهارم.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۷۹) *کتاب البیع*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ و نشر عروج، چاپ اول.
- \_\_\_\_\_ ، (ب ۱۳۸۱) *ولایت فقیه*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ و نشر عروج، چاپ یازدهم.
- انصاری، مرتضی. (۱۴۱۰ق) *المکاسب*، بیروت: مؤسسه النعمان للطباعة و النشر و التوزیع.
- جمشیدی، محمدحسین. (۱۳۷۷) *اندیشه سیاسی شهید رابع امام سید محمدباقر صدر*، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۰) *نظریه عدالت (از دیدگاه فارابی - امام خمینی - شهید صدر)*، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- سجادی، سید جعفر. (۱۳۷۵) *فرهنگ علوم فلسفی و کلامی*، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- طباطبایی، محمدحسین. (بی تا) *المیزان فی تفسیر القرآن*، ۲۰ جلدی، ترجمه محمد جواد حجتی کرمانی، قم: دارالعلم.
- قاضی زاده، کاظم با همکاری سعید ضیایی فر. (۱۳۷۷) *اندیشه های فقهی - سیاسی امام خمینی*، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری.
- مطهری، مرتضی. (۱۴۰۳ ق.) *بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی*، تهران: انتشارات حکمت.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۷۲) *پیرومون انقلاب اسلامی*، تهران: نشر صدرا.
- میرسندهی، محمد. (۱۳۷۵) «تصویر روشن عدالت»، *فصلنامه حضور*، شماره نوزدهم.
- نراقی، محمد مهدی (۱۴۰۸ ق) *جامع السعادات*، ۳ جلدی، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، الطبعة السادته.

- Khadduri, Majid, (1984) *The Islamic Conception of Justice*, Baltimor and London, The Johns Hopkins University Press.